

## راه و رسمی برای تمام فصول



می ریختند و به همسایگان خود می دادند. از آنجا که فصل بهار فصل فراوانی گوشت بره بود، گوسفندداران گوشت قربانی را میان همسایگان تقسیم می کردند و از پوستش کلاه و لباس تهیه می کردند. در گذشته پوست بره بیش از گوشتش ارزش داشت. اصلا یکی از مهم ترین برکات این نذری، ارتباطی بود که میان همسایه ها شکل می گرفت، چه بسا که همه دلخوری های عالم همسایگی رنگ می باخت و انگار این نذر و نذری دادن وسیله ای بود برای کنار زدن کینه ها، از سوی دیگر، پشت این نذری ۲ هدف نهفته بود، هدف اول به خاطر اینکه سفره اهالی از غذا و طعام خالی نباشد و از سوی دیگر بتوانند از حال یکدیگر باخبر شوند. چون آن زمان مثل اکنون از تلفن و وسایل ارتباط جمعی خبری نبود و معمولاً همسایه ها نخستین نفراتی بودند که اگر اتفاقی رخ می داد به کمک هم می آمدند. خیلی از آن روزها نمی گذرد که دل همسایه برای همسایه اش می تپید و همسایه خوب به عنوان یکی از اعضای خانواده به حساب می آمد. اما امروز بعضی ها همسایه مداری را فراموش کرده اند و اگر رابطه ای میان همسایگان هم وجود دارد بسیار محدود شده است. آن دوران همسایه جایگاه ویژه ای داشت.



### نام نذر: تکیه همسایگی محل ادای نذر: تهران قدیم

قدیمی ها اعتقاد داشتند که همسایه از برادر و خواهر به آنها نزدیک تر است؛ الجار ثم الدار؛ اول همسایه، بعد خانه خود. برای انتخاب خانه هم می گفتند نخست همسایه را بشناس، سپس خانه بخر. به همین دلیل در توزیع نذرها، نخست همسایه ها را در نظر می گرفتند. یکی از نذوراتی که آنها برای برآورده شدن حاجات شان نیت می کردند، نذر همسایه بود که آن را به نام «تکیه همسایگی» می شناختند. نصرالله حدادی، تهران شناس، درباره این نذر می گوید: «در طول هفته یک یا ۲ بار غذایی می پختند و بین چند همسایه که می دانستند دست شان تنگ تر است، توزیع می کردند. همه همسایه ها فارغ از دغدغه های زندگی با هم همدل و همراه می شدند. همچنین اگر کسی در خانه غذا یا میوه ای داشت که بویش در خانه همسایه می پیچید و همسایگان طالبش می شدند، مقداری از آن غذا یا میوه را در کاسه می ریختند و نذر همسایه ها و بین آنها تقسیم می کردند. البته در فصل بهار و پاییز این رسم پرنرنگ تر میان اهالی اجرا می شد. همسایگان آغوز گوسفند یا گوساله تازه را در کاسه ای

## جام چهل کلید و بانگ سلام بر حسین ع

نام نذر: آب  
محل ادای نذر: محدوده بازار و اطراف آن

کسانی که نذر آب کرده بودند هم از این یخ فروشان قالب یخ می خریدند. مردم که می خواستند از این آب بخورند، با صدای بلند می گفتند، سلام بر حسین... خدا پدر و مادر تو را ببامرزد. صاحب نذر نیز جواب می داد که خدا کودک ام در گاراژ ایران تور در میدان قزوین، کنار این بشکه آب یک جام چهل کلید، (جامی که آیات قرآن یا دعاها روی آن حکاکی شده بود) را با زنجیر به بشکه آب بسته بودند و همه با آن آب می خوردند. با وجود اینکه روزها بلند بود، تا دم دمای غروب دائم در بشکه یخ تازه می ریختند که مبادا رهگذران و مردم تشنه بمانند.»



خانه های تهرانی ها در دهه های ۲۰ و ۳۰ هنوز به آب لوله کشی مجهز نشده بود. در آن دوران برخی از کسبه به یاد سقای کربلا و همچنین اهل بیت امام حسین (ع) و برای اینکه رهگذران و عابران تشنه نباشند، نذر آب می کردند. نصرالله حدادی، تهران پژوه، درباره این نذر می گوید: «در فصول گرم سال آن موقع که آب لوله کشی به تهران نیامده بود، مردم برای این نذر آب را داخل مشک می ریختند و جلوی مغازه آویزان می کردند تا رهگذران تشنه لب، از آن بنوشند. بعدها که لوله کشی و دسترسی به آب آسان تر شد، کاسب های محدوده بازار و خیابان های اطراف آن بشکه های گالوانیزه ای را کنار مغازه شان قرار می دادند و یخ تهیه می کردند، می شستند و داخل آن بشکه می ریختند. این بشکه پر از آب گوارا روی چهارپایه ای بزرگ بود. آن زمان کارخانه یخ قالبی در چهارراه جمهوری بود و هر قالب یخ ۲۵ زار قیمت داشت که اصطلاحاً به آن یخ بلور می گفتند. صبح ها قبل از اینکه آفتاب بزند ماشین اینترنتش آمریکایی را پر از یخ می کردند و برای فروش سر چهارراه ها می بردند.



## از گلریزان تا پادرمیانی در دفتر رئیس نظمیہ وقت

نام نذر: آزادی زندانی  
محل ادای نذر: محله های مختلف تهران

زندانی مورد نظرشان طلب مغفرت و رهایی او را می کردند. هر کسی که نذر آزاد کردن زندانی داشت با این دسته عزاداری همراه می شد. این نذر آداب خاصی داشت. مردان جاافتاده مراسم عزاداری جلوتر از همه حرکت می کردند و به سمت پنجره دفتر رئیس نظمیہ وقت می رفتند تا او ملتفت شود که با چه کسانی روبه روست. در این فاصله، نام زندانی را بلند تکرار می کردند تا فرجی شده و زندانی رها شود. اغلب این نوع نذر برای زندانیانی اتفاق می افتاد که به واسطه مشکل مالی زندانی شده و افرادی خوش نام و مردم دوست بودند. در این میان، اگر نظمیہ چی کوتاه نمی آمد، بزرگان و خیران دست به جیب می شدند و قرض زندانی را ادا می کردند تا قضیه فیصله یابد. این نذر نه تنها جنبه معنوی داشت، بلکه از لحاظ اجتماعی و سیاسی نیز به سیستم قضایی وقت تلنگر می زد. از آنجا که سیستم قضایی دوره قاجار از وضعیت ثابت و عادلانه ای برخوردار نبود و دست پرورده درباریان و سلطنت بود، مردم با مشارکت یکدیگر و در قالب عملی دینی و نمادین، واسطه ای می شدند برای آزادی زندانیانی که معمولاً امیدوی به قضاوتی درست و رهایی نداشتند.

نذر آزادی زندانیان و گلریزان برای رهایی از بند یکی از رایج ترین نذرهایی است که در تهران سابقه ای دیرینه دارد. این نذر پسندیده بعد از گذشت سال ها همچنان به قوت خود باقی است و هر ساله در ایام مختلف و به مناسبت های خاص، مردم نذر می کنند زندانی ای را از بند رها کنند. در جدیدترین نذر آزادی زندانیان می توانیم به گلریزان آزادی مادران زندانی تهرانی اشاره کنیم که چند سالی است به نیت حضرت فاطمه (س) در خیلی از محله های تهران اجرا می شود و زنان و مادرانی که به دلیل مشکلات مالی در بند بودند، آزاد می شوند. با مرور تاریخ تهران به نذوراتی برمی خوریم که ارتباط مستقیم با سنت نیک آزادی زندانیان داشت. در حقیقت یکی از نذرهای پسندیده ماه محرم، نذر و ساطت برای مجرمان و رها کردن آنها از زندان بود. این نذر به صورت دسته جمعی اجرا می شد. در دوره قاجار به این صورت که دسته عزاداران بعد از پایان مراسم عزاداری مقابل زندان شهر می رفتند و بسا صدا زدن نام